جوانان ؛ بينش‏ها و گرايش‏ها (5)

راههاى دستيابى به بصيرت و بينش شايسته‏

احمد لقمانى‏

سخنى با جوانان الگوياب‏

سحرم دولت بيدار به بالين آمد

گفت: برخيز كه آن خسرو شيرين آمد

ساقيا مى بده و غم مخور از دشمن و دوست‏

كه به كام دل ما آن بشد و اين آمد(1)

بهمن سال 57، نشان از حماسه‏اى به ياد ماندنى در حافظه تاريخ دارد و خبر از رويارويى تمامى قدرتهاى زر و زور و تزوير با همه باورهاى خدايى مى‏دهد. پيروزى «خون بر شمشير» و «مشت بر گلوله»، به سان كابوسى ديرباور، سران استكبار را خواب‏زده و حيران در تصميم‏گيرى نمود و راه انديشه را بر هر بيراهه‏اى از آنان ربود.

اينك كه انقلاب اسلامى ايران، سالهاى پايندگى و بالندگى خود را پشت سر مى‏گذارد، چون به حوادث گذشته نهضت مى‏نگريم، آوار مشكلات و هجوم سختيها را به سوى اين نظام نوپا، با چهره‏هاى مختلف مشاهده مى‏كنيم؛ گاه چنگال محاصره اقتصادى، زمانى سر نيزه خونبار نظامى و موقعى هجوم پيدا و پنهان تهاجم فرهنگى، بنيان انقلاب را نشانه رفته‏اند تا ريشه‏هاى رشد و شاخ و برگ بالندگى را به خشكى بكشانند و انبوه اندوه را بر دلهاى بيدار و دشمن ستيز، ريزان سازند.

اين نوشتار، فرصتى كوتاه است تا با استفاده از تجربيات گذشته، شيوه‏هاى دشمن در تهديد و براندازى نظام را از نظر بگذرانيم. بى‏شك، آموزه‏هاى آسمانى قرآن و كلام معصومان(عليهم‏السلام)، مددكار اطمينان بخش و ارزشمندى در اين گفتگوى صميمانه خواهد بود.

بيدارى نابهنگام‏

«دانيل پاتيس» رئيس انستيتوى پژوهشهاى سياست خارجى آمريكا، در سمينارى كه در پاييز سال 68، در شهر استامبول تركيه برگزار شد، بيدارى نابهنگام سران استكبار را در برخورد با انقلاب ايران اين گونه بيان كرده است:

«ما تا ده سال حساسيت خاصى نسبت به اسلام نداشتيم، اما امروز اين طور نيست و همه ما نسبت به اين پديده جديد در ايران و برخى از كشورهاى ديگر، بايد با حساسيت بيشترى برخورد كنيم. امروز مسلمانان به ايران نظر دارند و از آن الگوبردارى مى‏كنند. امروز ايران براى مسلمانان همانند يك آزمايشگاه است؛ اگر اين تجربه موفق شود، جسارت مسلمانان كشورهاى ديگر هم بيشتر خواهد شد.»(2)

نوميدى دشمن در رويارويى نظامى و اقتصادى، او را بر آن داشت كه تدبيرى بنيادين و چاره‏اى فراگير بينديشد، با نگاهى ژرف و درس‏آموز، دو حركت بزرگ در مقابله با انقلاب ايران را مى‏توان مشاهده نمود:

1- پى بردن جامعيت، برترى و پويايى دين اسلام و آگاهى از آموزه‏هاى حركت آفرين آن؛

2- شناخت درست نسبت به عظمت پاسداران وحى، روحانيت و محبوبيت آنان در بين توده‏هاى مختلف مردم به عنوان رهبر، مرجع، محقق و مبلّغ و در پى آن، خدشه وارد نمودن به ارزش آنان و كمرنگ كردن علاقه مردم با پخش شايعه‏ها، ايجاد تهمت‏ها، پراكندن دروغ‏ها و سرانجام جداسازى تمامى اقشار، به ويژه جوانان از عالمان وارسته و روحانيون دلسوز كه پناهگاه واقعى مردم اند.

مأموريت روشنفكران يا اصلاحگران!

«روشنفكر»، «اسلام شناس»، «اصلاحگر» و يا «انديشمند» واژه‏هايى است كه گاه بار گرانى بر دوش ملتهاى مستضعف و مسلمان بوده است؛ زيرا افرادى خام، تاريكدل و دست‏آموز استكبار كه دشمن همانند مهره‏اى نقش‏آفرين در لحظه‏هاى مناسب و در عرصه‏هاى گوناگون جامعه از آنان استفاده مى‏كند، به دور از هر نوع بينش درست و يا دانش كافى، گام در راه پرداخت و بيان آموزه‏هاى دينى مى‏گذارند و با قلم خود، سخن بيگانه را با شيوه‏هاى پرجاذبه و يا تبليغات دلفريب براى عده‏اى ناآگاه و يا احساساتى - كه پاره‏اى نيز در صدد دانستن درست هستند - بيان مى‏كنند. اينان طوطى صفت بر پايه‏هاى باورهاى دينى و الهى هجوم مى‏برند و با سخنان به اصطلاح روشنگرانه خويش، بدون آن كه در صدد تحقيق و يا تعميق افكار خود باشند، به دور از محفل عالمان آگاه و وارسته، زبان به انتقاد، ايراد و يا ريشخند احكام دين مى‏گشايند و سياست سياه استعمار را بدون هر گونه تحليل و ژرف نگرى در دستور كار خود قرار مى‏دهند. پاره‏اى از حركت‏هاى استكبار در اسلام زدايى، ايجاد شك و ترديد در جامعيت دين و دور نمودن اقشار مردم به خصوص تحصيل كردگان از صاحبان فكر و انديشه كه در دهه سوم انقلاب رخ نشان مى‏دهد و يا شتاب بيشترى مى‏يابد، عبارت است از:

1- زير سؤال بردن دين، مذهب و بنياد خدا پرستى از راه نوشتن مقاله و نگارش كتابهاى مختلف درباره قداست معرفت دينى، حقانيت مذهب و... ؛

2- ايجاد ترديد و يا استهزا نسبت به احكام اسلام و باورهاى مذهبى مانند امامت، ولايت، ولايت فقيه، مرجعيت، تقليد و...

3- ايجاد روحيه ناسيوناليستى، باستان گرايى، ملى گرايى و رواج روحيه ميهن دوستى به جاى عشق به فرهنگ و آيين.

4- ساخت و پرداخت داستان، شعر، فكاهى، قصه و... درباره تحقير و توهين به عالمان دينى و پژوهشگران وارسته اسلامى .

5- تلاش فراگير در راه كشاندن ملتهاى مسلمان، به ويژه جوانان به پوچى، نوميدى، سرخوردگى، خود باختگى، غرب‏باورى و پذيرش روحيه ضعف و سستى در برابر ناتوانى خود و قدرت و عظمت بيگانگان؛

6- تحريف تاريخ و واژگون سازى حوادث ملل گذشته در راه برترى و استيلاى استكبار؛

7- رواج ايدئولوژى و مبانى فكرى فرهنگى غربى در «ايسم»هاى وارداتى همانند: «اومانيسم»، «ليبراليسم»، «سوسياليسم»، «ناسيوناليسم»، «سكولاريسم»، «پلوراليسم» و...؛

8- دميدن روحيه سعادت خواهى از راه جدايى دين از سياست و رسيدن به ذكر و صلوات، عبادت در خانه‏ها و زيارتگاهها، عشق به حضرت مهدى(عليه‏السلام) و... بدون توجه به جهان اطراف و نقشه‏هاى دشمنان در سراسر جهان؛

9- تزريق فرهنگ غرب در باورهاى اجتماعى - اقتصادى و فرهنگى مردم از راه به نمايش گذاشتن آداب، رفتار، گفتار و زندگى بيگانگان و باليدن و نازيدن به فرنگ مآبى؛

10- طرح شعارهاى فريبنده سياسى همانند دموكراسى، برابرى، آزاديخواهى و آزادى براى زمينه‏سازى ولنگارى‏هاى اخلاقى، هرج و مرج‏هاى عقيدتى و دورى از ارزشهاى والاى الهى همانند عدالت، استقلال و آزادى خدادادى؛

11- بهره‏گيرى ناروا از نظام آموزشى در راه زدودن انديشه‏هاى ناب اسلامى با نام دانش ترقى، تمدن، پيشرفت، آزادى و استفاده از مطبوعات به طور چشمگير در اين راستا؛

12- رخنه در تشكل‏ها و مجموعه‏هاى انقلابى - مذهبى و تلاش در گمراه كردن آنان و به بيراهه كشاندن انسانهاى پرجنب و جوش؛ اما بدون تحليل و بينش؛

13- كوشش حساب شده دقيق و گام به گام در كنار گذاشتن روحانيت متعهد و دلسوز با بهانه‏هاى مختلف و گاه دست‏آويزهاى عوام پسند؛

14- به زير سؤال بردن چهره افراد چشمگير و قابل اعتماد مردمى با برچسب‏هاى گوناگون، همچون انحصارگر، قدرت طلب، سرسپرده، جاسوس، سرمايه‏دار و... ؛

15- پديد آوردن دشمنى و كشمكش بين شخصيتهاى روحانى و مسؤولان كشورى و كشاندن اين اختلاف بين صفوف به هم فشرده ملت از راه دين‏سازى، حزب بازى، گروه‏بندى، باند بازى و نيرومند كردن اقليتهاى وابسته؛

16- رواج و گسترش فساد و فحشاء - در چهره‏هاى مختلف با ابزار گوناگون - در جامعه؛

17- به وجود آوردن آشفتگى، ناامنى، هرج و مرج و تشكيل شبكه‏هاى جاسوسى براى پيشبرد نقشه‏هاى استكبار؛

18- پرهيز دادن مردم - به ويژه قشر مقدس و مذهبى - از وارد شدن در كارهاى سياسى و كشورى؛

19- وادار كردن دولتمردان و صاحب نظران مطرح در جامعه به پيروى از سياست استكبارى جهانخواران و استعمارگران؛

20- به دست گرفتن رهبرى جامعه و دور نمودن اقشار مختلف مردم و تحصيل كردگان از روحانيت با طرح شعارهاى انقلابى و آزاديخواهانه و...(3).

روشناى بينش؛ تابناكى انديشه‏

رسالت دلدادگان به دين و شيفتگان ارزشهاى انسانى - اسلامى، پرورش بينشى برتر و دانشى افزونتر نسبت به آرمانهاى دشمنان است. آنان كه دل در گرو ولايت و رهبرى دارند، بيشتر از ديگران، نيازمند آينده نگرى هستند و هماره بايد هوشيار و آماده دفاع از ارزشهاى والاى الهى باشند. توجه به اين نكته كه ناپلئون مى‏گويد: «من از صداى قلم روزنامه‏هاى بيش از صداى گلوله مى‏ترسم». و يا كارتر، رئيس جمهور اسبق آمريكا، گفته است: «يك دلار براى تبليغات، بهتر از ده دلار براى تسليحات است»(4)، بيانگر اين حقيقت تلخ است كه: دشمن، دشمن است و دشمنى شيوه هميشه او. خامى و نادانى است كه او را فارغ از توطئه عليه خود بدانيم و يا دلسوز و مهربان به سرنوشت خويش بشماريم. همان گونه كه امام على(عليه‏السلام) مى‏فرمايد: «اگر تو در خواب فرو روى، دشمن بيدار است و مراقب اعمال و رفتار تو... [تا در لحظه‏اى مناسب خنجر زهرآگين خويش را در قلب تو فرو كند.]»(5)

مناسب مى‏نمايد مرورى عبرت‏آموز و درس‏آفرين نسبت به وظايف خود در روزها، هفته‏ها و سالهايى كه پيش رو داريم، بيفكنيم و از واژه‏هاى هر عبارتى، مشعلى براى آينده خود بيفروزيم تا در غبار به پا شده توسط دشمن ره به بيراهه نبريم.

الف) پى‏ريزى، استحكام و تكامل باورهاى ناب فرهنگى‏

پديده جهل و بى‏سوادى، ظلمت اختلاف و درگيرى، خمودى و بى‏حالى، تفرقه و سوء ظن به يكديگر، تحقير و استهزاء ديگران، خود محورى و دورى از خدامحورى و سرانجام بلاى دورى از خورشيد روشنى بخش ولايت و رهبرى(6)، زمينه‏ساز حضور ناپيداى دشمن در هر خانه و محله است و نشان از غربت انسان‏ها با دست‏آوردهاى فكرى و فرهنگى ناب اسلامى دارد. حادثه‏اى كه دشمن را شادمان و خرسند مى‏كند تا ورود خود را قطعى دانسته و به دور از هر گونه مقاومت مردانه، در هر كوى و برزن، آرمانهاى خود را تحقق يافته پندارد؛ زيرا اخلاق، آداب و رسوم و شيوه‏هاى مطلوب خويش را در كمترين زمان به ديگران آموزش مى‏دهد و آنان نيز با حرص خاصى مى‏آموزند و مى‏آموزانند و از سر جهالت و تهى مغزى به اين خود باختگى افتخار مى‏كنند.

«اسپنسر»، فيلسوف معروف انگليسى، درباره ايجاد خلاء فرهنگى جوامع و تهى‏سازى وجود انسانها از فرهنگ ناب خودى، به جاسوسان انگليسى چنين توصيه مى‏كند: «اخلاق و آداب و زبان و تمدن خودتان را به اقوام و مردم مورد نظر خود بياموزيد و آنان را به حال خودشان واگذاريد كه «هميشه» از آن شما خواهند بود.»(7)

رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آيت‏الله خامنه‏اى در سخنى كوتاه، بلنداى بصيرت، بينايى و هوشيارى هر يك از ما را كه چونان ارمغان الهى است، گوشزد نموده، همگان را به غنى سازى انديشه و روشنى بخشى رواق وجود فرا مى‏خوانند و مى‏فرمايد:

«بزرگترين بلا براى يك ملت اين است كه بخشهايى از فرهنگ و تمدن خودش به مرور زمان از حافظه‏اش پاك شود و اصلاً آن را به ياد نداشته باشد. اين خيلى بلاى بزرگى است و متأسفانه غربيها با ما اين كار را انجام دادند(8)... هدف استكبار جهانى كه در رأس آن آمريكاست، در مواجهه با ايران اسلامى، فقط اسلام است و هيچ مسأله ديگرى در ميان نيست.(9) امروز بى‏دينى، بى ايمانى و تهى بودن از اعتقاد مذهبى، يك ضد ارزش است. در بسيارى از نقاط عالم اين كار انجام گرفته و در بسيارى ديگر هم انجام خواهد گرفت.(10) آبادى خاك و گل، بدون آبادى دل، هيچ ارزشى ندارد... . والله كه آمريكا از هيچ چيز ملت ايران به قدر مسلمان بودن و پايبندى به اسلام ناب محمدى ناراحت نيست.»(11)

ب - دميدن روح تعهد و پرورش بينش سياسى‏

آموزه‏هاى زندگى ساز آيات قرآن و سخنان معصومان(عليهم‏السلام)، رواق وجود آدمى را پر از آينه‏هاى معنويت مى‏نمايد؛ به گونه‏اى كه نه تنها اسير جلوه‏هاى فريباى زندگى نشده، بلكه از چنگال هواها و هوسهاى خود نيز به سلامت رهيده و هماره در صبح سلامت از آز و نياز به سر مى‏برد تا زندگى دنيا را بهشت نقد ياد خدا و سعادت جاودان نظاره كند.(12)

افزون بر شناخت خود در جهان هستى و درك بايدها و نبايدهاى بندگى، بينش برتر نسبت به جايگاه دين باوران در نگاه ستمگران و شيوه‏هاى خداجويان در برخورد با مستكبران، ضرورى است. روشى كه پروردگار بزرگ، ما را به سوى آن دعوت كرده است تا حضورى آگاهانه و نگرشى انديشمندانه يابيم و از ارزشهاى عرشى خود پاسدارى نماييم (يا أيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُم فَانْفِرُوا ثُباتٍ أَوِ انْفِروا جَمِيعاً).(13)

دورى از بصيرت و بينش، انحراف رهبران فكرى - فرهنگى جامعه را به دنبال دارد و در پى آن، موجب فراموشى آدمى از جايگاه اصلى خود در اجتماع و روى آوردن به ظواهر دلرباى لذات زودگذر مى‏شود. بدون شك، زمانى كه ارزشهاى انقلابى اسلامى به فراموشى سپرده شد، دشمن پاى تجاوز خود را بر انديشه و فكر ما مى‏گذارد و نعره زنان به تسخير همه هستى ما و تمامى دين و دنياى ما مى‏پردازد. در پرتو دشمن‏شناسى، كه سفارش هميشه مقام والاى رهبرى حضرت آيت‏اللَّه خامنه‏اى بوده است،(14) به خوبى به برخوردهاى روحى و تنشهاى روانى وى پى مى‏بريم. حيله‏اى دقيق كه به دنبال آن ناتوانى، ضعف و سستى و سرانجام تسليم خواهد بود. در حالى كه پروردگار بزرگ با گوشزد كردن چنين شيوه‏اى پيروان راستين انبيا را به راست قامتى، شكيبايى و پايمردى در راه آرمانهاى حيات بخش فرا مى‏خواند (و كَأَيِّنْ مِنْ نَبىٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثيرٌ فَما وَهَنوا لِمَا أصابَهُمْ فى سَبيلِ اللَّه وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرينَ).(15)

پس از اين روش، برخورد ديگر دشمن را در استفاده از دوستان جاهل، عالمان كوردل و منافقان سيه سرشت مى‏بينيم كه در طول تاريخ، به خوبى هويداست. آرى، ژرف نگرى و بصيرت در تمامى عرصه‏ها و صحنه‏ها از چنان اهميتى برخوردار است كه انسان از جبهه خودى تير بر قلب او نمى‏نشيند و با نشاط و زنده دلى به تعقيب حوادث مى‏پردازد. حقيقتى ارزشمند كه آيات به نور نشسته قرآن بر آن تأكيد مى‏كند كه: إنَّما يَتَذَكَّرُ أُولوا الأَلْبابِ (تنها خردمندانند كه عبرت مى‏گيرند)، وَ إِنَّ فى ذلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِى االابْصارِ (به يقين در اين (ماجرا) براى صاحبان بينش عبرتى است)، افَلا تَذَكَّرونَ (آيا پند نمى‏گيريد)،... قُل هَلْ يَسْتَوِى الأعْمى‏ وَ الْبَصِيرُ...(16) (آيا نابينا و بينا و بصير يكسانند).

ج) ارائه الگوهاى شايسته و اسوه‏هاى آسمانى‏

دوستان وقت گل آن به كه به عشرت كوشيم

سخن اهل دل است اين و به جان بنيوشيم‏

نيست در كس كرم و وقت طرب مى‏گذرد

چاره آن است كه سجاده به مى بفروشيم‏

خوش هوايى است فرح بخش خدايا بفرست‏

نازنينى كه به رويش مى‏گلگون نوشيم(17)

آگاهى از كتاب پرعظمت هستى و توجه به اين نكته كه انسان در آغوش آفرينش، همانند نگينى درخشان بر فراز هستى نمايان است و با برتريهاى روحانى و عقلانى خويش، زينتى چشم نواز و دل‏آرا به آفرينش بخشيده است، مى‏سزد كه هيچ گاه گوهر وجود خود را آلوده به غبار هواها و هوسها ننماييم، به دنبال جايگاه برتر خود در عالم وجود باشيم كه همانا «خليفةالله» بودن و رسيدن به «مقام آدميت» است.

از اين رو، وظيفه هر يك از ما در هدايت خود و ديگران، پاسدارى از ارزشهاى انسانى و حفظ فرهنگ خودى و در پى آن، معرفى الگوهاى ارزشمند و به دور از هر نوع انحراف فردى و اجتماعى است؛ زيرا پيشينه يك ملت و هويت مردم در آينه تمدن گذشته و آداب و رسوم آنان نمايان مى‏شود.

توجه شايسته و بايسته به جوانان و احساسات پاك و مقدس آنان در الگوپذيرى، ما را بر آن مى‏دارد، پيش و بيش از ديگران، از گنجينه‏هاى معارف خود استفاده كنيم و نمونه‏هاى زندگى ساز و حيات بخش را در چهره‏هاى زيبا و حركت‏آفرين معرفى كنيم تا جلوه‏هاى فرهنگ غرب از چنين ويژگى سود بجويد و آينده‏سازان جامعه ما را به سوى خود نربايد.

اگر كليسا با ساختن دهها هزار مدرسه، دبيرستان، يتيم خانه، جذام خانه، بيمارستان، درمانگاه و اردوگاه، با تمام تجهيزات، به نبرد با اسلام و اسلام‏خواهان آمده است، اگر انجيل را به 1200 زبان دنيا ترجمه شده است، و اگر با دهها زبان به ترويج مسيحيت - از راديوهاى دنيا مى‏پردازد(18)، براى يك هدف، يعنى جذب مردم دنيا با اعتقادات گوناگون به مسيحيت و ادعاى ارائه الگوى تمام عيار در تمامى صحنه‏هاى زندگى است.

بى جهت نيست كه مكاتبات مستمر از طريق صندوقهاى پستى، مأموريتهاى ديپلماسى، جنگهاى روانى، نوشتن كتاب به نام اسلام‏شناسى عليه اسلام، تشكيل ارودهاى پسر و دختر و گروههاى پيش‏آهنگى، ارائه مد لباس و القاء مصرف گرايى، ايجاد ماهواره و شبكه اينترنت، انتقال آداب و رسوم در كنار فن آورى و تهيه عكس و فيلم و مجله‏هاى نابهنجار، سرعت غير قابل توصيفى گرفته و دشمن، فكر و فرهنگ ديگر ملتها را تحت الشعاع آن قرار داده است.(19)

وجود بيش از 5000 مجله و روزنامه، در بيش از دو ميليارد تيراژ و ترجمه برخى نشريات به 80 زبان دنيا، به همراه 150000 روحانى مسيحى در سراسر دنيا، بيانگر درك دشمن از عظمت و پويايى دين اسلام و تجهيز تمام عيار آنان در ربودن فكر و فرهنگ تمام ملتها، به ويژه جوانان و نوجوانان است.(20)

در نگاهى گذرا به آينده و تأملى انديشمندانه به دهه سوم انقلاب كه پيش روى ماست، درمى‏يابيم كه توسعه فرهنگى و رويش آموزه‏هاى اخلاقى در انديشه و قلب ما گام نخست در رويارويى با تهديدهاى دشمنان است تا در پرتو آثار و بركات آن، همه همدلى و همراهى:

دست در دست هم دهيم به مهر

ميهن خويش را كنيم آباد

پروانه گون اطراف آفتاب وجود رهبرى حضور داشته باشيم، بنيانهاى فكرى فرهنگى اكنون و آينده خود را پى‏ريزى كنيم و به دور از هر نوع دلباختگى به ديگر فرهنگها، اصول اعتقادى - سياسى و اجتماعى معارف ناب خويش را در صحنه‏هاى مختلف ايجاد كنيم(21) و با تمام توان در دفاع از ارزشهاى آسمانى آيين اسلام بكوشيم.

پى نوشت:

1) ديوان حافظ، غزل 170.

2) نك: مجله 15 خرداد، ش صفر، ديماه 69.

3) نهضت امام خمينى (ره)، ج 3، ص 1 تا 200 (با تلخيص فراوان)

4) ر.ك: پژوهشى در تبليغ، اهميت تبليغ، ص 5-20.

5) ر.ك: شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 173 و 158 و ج‏7، ص 167.

6) دستهاى ناپيدا (خاطرات سياسى همفر)، ص 62 تا 59، (با تلخيص فراوان).

7) ر.ك: اسلام بر سر دو راهى، ص 23.

8) فرهنگ و تهاجم فرهنگى (مجموعه‏اى گرانسنگ از رهنمودهاى رهبر عزيز انقلاب)، ص 107 و 106.

9) همان، ص 124 ، نك: مجله كوثر (آستان مقدس حضرت معصومه‏عليهاالسلام)، ش 16و17 مقاله اسلحه مهاجمان فرهنگى، به قلم نويسنده.

10) همان، ص 132.

11) همان، ص 134.

12) نك: تفسير الميزان، ج 14 ص 178، تفسير نمونه، ج 13، ص 239.

13) نساء/71 (اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد (در برابر دشمن آماده باشيد) اسلحه خود را برگيريد و گروه گروه (به جهاد) رويد يا به طور دسته‏جمعى رويد.)

14) نك: سخنرانيهاى مقام معظم‏رهبرى و تأكيد فراوان معظم له بر دشمن‏شناسى و شيوه‏هاى شيطانى دشمنان.

15) آل عمران/ 146 (چه بسيار پيامبرانى كه همراه او توده‏هاى انبوه كارزار كردند و در برابر آن چه در راه خدا بديشان رسيد، سستى نورزيدند و ناتوان نشدند و تسليم (دشمن) نگرديدند و خداوند شكيبايان را دوست دارد) ر.ك: تفسير صافى، ج 1، ص 168، تفسير الكبير فخر، ج 19، ص 31، تفسير الفرقان، ج 13، ص 291.

16) رعد/ 19، آل عمران/ 13، جاثيه/ 23، رعد/ 16، نك: تفسير اطيب البيان، ج 3، ص 121.

17) ديوان حافظ، غزل 369.

18) قرآن و تبليغ، ص 16 و 15.

19) همان، ص 17.

20) همان، ص 19.

21) نك: فرهنگ و تهاجم فرهنگى (مجموعه رهنمودهاى مقام معظم رهبرى)؛ صحيفه نور (بخش ديدگاه‏هاى حضرت امام خمينى (ره) درباره دشمن‏شناسى، بينش و اخلاص، مجله صحيفه مبين، ش شعبان، مقاله دشمن‏شناسى و شيوه برخورد دين باوردان با دشمنان به قلم مؤلف.)